

تحلیل نابرابری فرصت های دسترسی به آموزش عالی (مورد مطالعه: شهرستان های استان آذربایجان غربی)^۱

مهدی نجاری^۲، محمد حسینی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۱/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۸/۰۹

چکیده:

برنامه ریزی آموزشی یکی از مهمترین راه های بهبود عدالت آموزشی است و عدالت آموزشی زمانی محقق می شود که دانش آموزان دسترسی برابر به فرصت های آموزشی داشته باشند. پژوهش حاضر، نابرابری فرصت های دسترسی به آموزش عالی را مورد مطالعه قرار داده است. این پژوهش نوعی مطالعه توصیفی-تحلیلی می باشد. جامعه پژوهش داوطلبان متقاضی ورود به آموزش عالی در شهرستانهای استان آذربایجان غربی طی سالهای ۱۳۹۵-۱۳۹۲ می باشد که به روش تمام شماری مورد مطالعه قرار گرفته اند. اطلاعات جمعیتی این پژوهش با استفاده از داده های سرشماری نفوس و مسکن (۱۳۹۵)، داده های آموزش و پرورش (۱۳۹۵) و گزیده آمارهای کنکور سراسری (۱۳۹۵-۱۳۹۲) شهرستان های مورد مطالعه کسب شده است. به منظور مقایسه و رتبه بندی میزان بهره مندی مناطق مختلف از آموزش عالی، از شاخص ها و فرمول های برنامه ریزی آموزشی، نظیر شاخص انتخاب منطقه، ضریب جینی، منحنی لورنز، شاخص نابرابری جنسیتی، تحلیل خوشه ای و رتبه بندی تاپسیس استفاده گردید. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که با مقدار ضریب جینی ۰.۰۰۸ و ضریب پراکندگی ۰.۱۸ در بین شهرستان ها از حیث برابری فرصتهای دسترسی به آموزش عالی نابرابری وجود دارد، علاوه بر این بین شهرستان ها نابرابری جنسیتی دسترسی به آموزش عالی وجود دارد و بیشترین نابرابری دختران $GPI = 0.68$ مربوط به شهرستان پیرانشهر و بیشترین نابرابری پسران $GPI = 1.35$ مربوط به شهرستان سلماس می باشد. همچنین نتایج رتبه بندی شهرستانها به لحاظ شاخص های دسترسی به آموزش عالی نشان داد که شهرستان خوی با میزان تاپسیس ۰.۹۹۹ در رتبه اول و شهرستان چالدران با میزان تاپسیس ۰.۱۴۳ در رتبه آخر قرار دارند. نتایج مبین نیاز مناطق کمتر برخوردار از دسترسی به آموزش عالی، به برنامه ریزی و توجه ویژه سیاست گذاران این حوزه به این نابرابری ها می باشد.

واژه های کلیدی: برنامه ریزی آموزشی، نابرابری فرصت های آموزشی، دسترسی به آموزش عالی

^۱ - این مقاله برگرفته از رساله دکتری می باشد.

^۲ دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، دانشگاه ارومیه najjari69@yahoo.com

^۳ استاد گروه مدیریت آموزشی، دانشگاه ارومیه mhs_105@yahoo.com

مقدمه

برنامه ریزی آموزشی فرآیند تعیین پیشاپیش راهبردها، خطمشی‌ها، برنامه‌ها و استانداردهایی است که به واسطه آنها هدف یا مجموعه‌ای از اهداف آموزشی می‌توانند محقق می‌شوند. برنامه ریزی آموزشی یکی از راه‌های بهبود عدالت آموزشی است. عدالت آموزشی زمانی محقق می‌شود که دانش آموزان دسترسی برابر به فرصت‌ها، حمایت‌ها و ابزاری داشته باشند که برای موفقیت آنها مورد نیاز هستند. عدالت آموزشی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و همچنین اعلامیه‌های جهانی مورد تأکید قرار گرفته است. بر اساس بندهای ۱، ۱۴ و ۱۵ اصل سوم و اصل‌های نوزدهم و بیستم قانون اساسی، همه‌آحاد کشور باید حق دسترسی برابر به فرصت‌های تربیتی و آموزشی را، صرف نظر از محدودیت‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی داشته باشند (احمدی، حسنی، موسوی، ۱۳۹۶، ۱۱۴).

بدون تردید نظام آموزشی نقشی اساسی در تربیت نیروی انسانی و توسعه جامعه دارد و نیروی انسانی کارآمد در سایه فرصت‌های برابر آموزشی به بار خواهد نشست. رسالت اصلی آموزش، توان بخشیدن به فرد انسان‌ها در جهت توسعه کامل استعدادها و نیز شناخت توانمندی‌های خلاق خویش است و این هدف بر سایر اهداف آن ارجحیت دارد. حصول این هدف هر چند دشوار و طولانی است، اما در جهت جستجوی جهانی عادلانه‌تر و بهتر برای زیستن، ضروری محسوب می‌شود (پورپاکی، ۱۳۹۳، ۳۳). بنابراین، باید مسائل و چالش‌های پیش روی نظام آموزشی را بشناسیم و بر آنان فائق آییم، یکی از این مسائل برابری فرصت‌های دسترسی به آموزش عالی است.

در حال حاضر نابرابری‌های آموزشی، یکی از مقوله‌های بسیار مهم در حوزه برنامه ریزی آموزشی است که سهم و نقش تعیین کننده‌ای در گسترش و بهبود آموزش دارد (شیر کرمی و بختیار پور، ۱۳۹۳، ۴۴). نقش برنامه ریزان آموزشی در این زمینه بی‌بدیل است. آنها باید از طریق تجزیه و تحلیل دقیق، علل پیدایش فرصت‌های نابرابر را دریافته و برای اصلاح آن پیشنهاد‌های مناسب ارائه دهند. به طوری که زمینه باروری برای همه استعدادهای موجود دانش آموزان فراهم گردد و همه افراد لازم‌التعلیم آنان بتوانند متناسب با توانمندی‌های خود از امکان تداوم کسب فرصت‌های یکسان تحصیل بهره‌مند گردند (حیدرزادگان، صندوقداران، ۱۳۹۶، ۱۶۱).

منظور از برابری آموزشی این است که افرادی که استعداد یکسان دارند امکان مساوی برای رشد و موفقیت در نظام آموزشی داشته باشند و نیز افراد حق دارند که نه به لحاظ تبار خانوادگی، بلکه بر اساس استعداد تحصیلی خود، از پایگاه اجتماعی مناسب با درک و قابلیت‌های درونیشان برخوردار گردند (مسعودی، ۱۳۸۰، ۱۵). هنگامی که از نابرابری یا برابری فرصت صحبت می‌شود، منظور نابرابری فرصت بین دختران و پسران در برخورداری از آموزش، نابرابری بین اقلیت‌های مذهبی یا نابرابری در دسترسی به امکانات آموزشی در بین مناطق مختلف کشور می‌باشد (گروه مشاوران یونسکو، ۱۳۸۴، ۴۷). دسترسی به آموزش عالی اشاره به فرصت ورود به آموزش عالی دارد، هرچند یک تضمین، برای پذیرش در آموزش عالی نمی‌باشد (هوریو مک

گراث^۱، ۲۰۱۴، ۸۴). منظور از فرصت برابر جلوگیری، حذف یا کاهش تبعیض بین افراد از لحاظ جنسیت، نژاد، وضعیت جسمانی، سنی، زبانی، طبقه اجتماعی و ... می باشد (بنت، بوث و ایدل^۲، ۲۰۰۱، ۱۲). از نظر پردون^۳ (۲۰۱۵) دسترسی به آموزش عالی موضوعی بسیار قابل توجه، با پیامدهای مستقیم در سیاست های آموزشی، توسعه بازار کار و کیفیت زندگی است. هر جا که نابرابری های آموزشی به حد اعلاى خود برسد آهنگ توسعه نیز کاهش پیدا خواهد کرد (موسوی و حسنی، ۱۳۹۰، ۳۳). برابری فرصت ها نوعی نگاه عدالت خواهانه را به همراه دارد و به عنوان یک شاخص جامعه توسعه یافته تلقی می شود جامعه ای که در آن مردم در کنار رفاه و آزادی، عدالت و برابری را هم تجربه خواهند کرد. در این تعبیر، برابری فرصتها و عدالت خواهی یک ارزش محسوب می شود و آموزش و پرورش باید بتواند آن را در نظام شخصیتی انسان توسعه یافته تعبیه کند (شیر کرمی و بختیار پور، ۱۳۹۳، ۵۱). به زعم مسعودی و جواهری (۱۳۸۲) از جمله بارزترین مصادیق عدالت اجتماعی، دسترسی به فرصت های برابر برای شکوفایی استعدادهای کودکان، نوجوانان و جوانان از طریق تحصیل در مدارس، دبیرستان ها و دانشگاه های کشور است. دسترسی به فرصت های برابر آموزشی یکی از آرمان های بسیاری از نظام ها و از جمله نظام جمهوری اسلامی ایران که مبتنی بر عدالت اجتماعی طراحی شده است، می باشد. هانوم^۴ (۲۰۰۰) بر این باور است که گسترش دسترسی به آموزش و کاهش هزینه های آن برای خانواده های فقیر، می تواند منجر به کاهش نابرابری های مربوط به فقر و جنسیت شود. می ریز^۵ (۲۰۰۳) در خصوص نابرابری فرصت های آموزشی می گوید که هنوز با گذشت ۱۲۰ سال، برابری فرصت های آموزشی میسر نگردیده است. همچنین از نظر وردولینی^۶، (۲۰۱۶) افزایش مشارکت در آموزش عالی، نابرابری فرصت های آموزشی را کاهش می دهد و منجر به برابری و عدالت می گردد. کومبز^۷ از اندیشمندان پیشرو در زمینه برنامه ریزی آموزشی بر این اعتقاد است که برنامه ریزی آموزشی و توسعه مناسب آن منجر به ایجاد فرصت های برابر آموزشی می شود و برای تحقق این امر مهم، منابع در دسترس آموزش را می باید به سطوح و اجزای مختلف نظام آموزشی تسری داد (شیر کرمی و بختیار پور، ۱۳۹۳، ۴۸).

نظریه برابری آموزشی ریشه در نظرات راولز^۸ (۱۹۷۱) دارد. طبق نظر راولز سه اصل برابری در زمینه فرصت ها در زمینه سیستم های آموزشی عبارتند از: ۱) فراهم نمودن تسهیلات آموزشی برای افراد واجد شرایط ۲) فراهم نمودن حداقل آموزش برای هر فرد و ۳) ایجاد امکانات و تدارکات ویژه برای گروه های محروم (راولز، ۱۹۷۱، ۳۳). بر این اساس راولز و فارل (۱۹۹۹، ۱۹۹۴) سه شکل از برابری سیستم آموزشی را مطرح نمودند: برابری دسترسی، برابری درونداد و برابری برونداد. همچنین فارل و دانشمندان دیگر خاطر

1. Hoareau McGrath

2. Bennett, Both, Yeadle

3. Prodan

4. Hannum

5. Mayers

6. Vergolini

7. Coombs

8. Rawls

نشان کردند، برابری آموزشی ابعاد مختلفی دارند که عبارتند از: نژاد، قومیت، جنسیت، موقعیت اقتصادی و اجتماعی، موقعیت جغرافیایی و غیره (چن^۱، ۲۰۰۹، ۸۸). برابری و عدالت آموزشی براساس نظریه های عدالت اجتماعی و شمول اجتماعی شامل جنبه های زیر می باشد: برابری دستیابی، برابری شرایط، برابری شرکت و برابری نتایج (سامونز^۲، ۲۰۱۰، ۶). نظریه های معاصر سیستم اجتماعی و قشریندی در دو رویکرد رقابتی قرار دارند: رویکرد تئوری تضاد و رویکرد ساختاری - کارکردگرا. تفاوت اساسی بین این دو پارادایم در مورد نقش آموزش در جوامع مدرن و علل اساسی نابرابری آموزشی می باشد. پارسونز و شولتز از کارکردگرا- ساختارگرایان برجسته بر این باورند که آموزش و پرورش " تعادل گر مهم" است زیرا آن می تواند فرصت های برابر و تحرک اجتماعی ایجاد نماید(چن، ۲۰۰۹، ۸۴). اگر چه کارکردگرا- ساختارگرایان می پذیرند که در آموزش و پرورش نابرابری وجود دارد، استدلال آنها این است که وجود نابرابری آموزشی عمدتاً به علت تفاوت در استعداد، نگرش و مسئولیت در میان تک تک دانش آموزان به جای پیامد نواقص موجود در گستره سیستم است. در مقابل، تئوری پردازان تضاد مارکسیست گرا مانند بوردیو^۳ و کالینز^۴، بولز و گینتر^۵ استدلال می کنند که نابرابری اجتماعی و آموزشی نتیجه نواقص اساسی در سیستم اجتماعی است. این نظریه پردازان آموزش و پرورش را به عنوان " ابزار ایدئولوژیک دولتی" که تنها در خدمت منافع طبقه حاکم است، در نظر می گیرند. (چن، ۲۰۰۹، ۸۵). مسئله نابرابری موجود در نظام آموزشی را می توان از سه دیدگاه بررسی و مطالعه کرد: اول از نظر دسترسی به، یا برخورداری از آموزش، دوم از نظر منابعی که به عنوان نهاده های نظام در اختیار نظام آموزشی قرار گرفته اند و سوم از نظر عملکرد نظام (متوسلی و آهنجیان، ۱۳۹۰، ۲۸).

علاوه بر مبانی نظری، پژوهش‌های تجربی موجود، نابرابری های آموزشی و عوامل موثر در نابرابری آموزشی را مورد کنکاش و بررسی قرار داده‌اند که در ادامه نوشتار حاضر به نتایج آنها پرداخته می شود.

حیدرزادگان و صندوقداران(۱۳۹۶) به بررسی برابری فرصت های آموزشی دانش آموزان عشایر استان سیستان و بلوچستان پرداختند. نتایج نشان داد نظام آموزشی منطقه عشایری استان در تمام شاخص ها آموزشی از وضعیت مناسبی برخوردار نمی باشد و فرصت های آموزشی نابرابر است. دربان آستانه و همکاران (۱۳۹۵) به بررسی شناخت و تحلیل فضایی نابرابری آموزشی بین شهرستان‌های کشور پرداختند و نتایج نشانگر آن بود که شهرستان‌های مرزی کشور نسبت به مرکز دارای نابرابری در توزیع امکانات و بهره‌مندی از آموزش هستند و این نابرابری در شهرستان‌های جنوبی کشور نمایان تر است. شیر کرمی و بختیار پور(۱۳۹۳) در تحقیقی با عنوان ارزیابی نابرابری ها در دستیابی به فرصت های آموزشی مطالعه موردی مقطع ابتدایی شهرستان دهلران دریافتند که بین مناطق مختلف و جنسیت در دسترسی به فرصت‌های آموزشی برابر نابرابری وجود دارد. نبی زاده سرابندی(۱۳۸۴) در تحقیق خود با عنوان بی عدالتی در فرصت های آموزشی استان

1. Chenge

2. Samons

3. Bourdieu

4. Collins

5. Bowles & Gintis

سیستان و بلوچستان به این نتیجه می رسد که در این استان بین دختران و پسران نابرابری وجود دارد. مسعودی و جواهری (۱۳۸۲) در تحقیقی با عنوان تحلیل دسترسی به فرصت های برابر در توسعه آموزش عالی دولتی به بررسی نابرابری دسترسی به آموزش عالی بین دختران و پسران و بین استانهای کشور پرداختند و نتایج گویای نابرابری بین استانها و جنسیت از لحاظ دسترسی به آموزش عالی می باشد. مطابق ریز و همکاران^۱ (۲۰۱۵) تفاوت اساسی بین حکومت های محلی و شانس حضور دانش آموزان آنها در آموزش عالی با توجه به خصوصیات فردی (دستاورد تحصیلی و پس زمینه قومی) و مدرسه ای که در آن حضور دارند وجود دارد. آگراول^۲ (۲۰۱۴) در پژوهشی به بررسی نابرابری فرصت های آموزشی در هند طی سالهای ۱۹۸۳-۲۰۰۴ پرداخته است نتایج بیانگر نابرابری فرصت های آموزشی طی سالهای مورد مطالعه می باشد. نکات و همکاران^۳ (۲۰۱۴) در پژوهشی به بررسی نابرابری در فرصت های آموزشی در ترکیه با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی و ارائه راه حل هایی برای رفع این نابرابری ها پرداختند تحقیق اکپویر ساموئل^۴ (۲۰۱۳) نشان داد که نابرابری جنسیتی دسترسی به آموزش عالی نیجریه وجود دارد. بارهیم و شاپیت^۵ (۲۰۱۳) در تحقیقی تحت عنوان نابرابری در دستیابی به آموزش با استفاده از روش پیمایش اجتماعی در اروپا، به بررسی نابرابری ها در ۲۴ کشور اروپایی پرداختند. نتایج تحقیق آنها نشان داد که بین این کشورها در دستیابی به آموزش نابرابری وجود دارد. ریل^۶ (۲۰۰۲) در تحقیقی با عنوان بررسی نابرابری های آموزشی در مدارس آمریکا نتیجه گرفته است که نابرابری چالش مهم نظام های آموزشی است و کاهش آن مستلزم تخصیص معلمان با کیفیت، تهسیلات مناسب و کافی می باشد.

از مطالعه نابرابری های آموزشی می توان دریافت که جنسیت و نابرابری منطقه ای از عوامل مهم نابرابری در دستیابی به آموزش عالی می باشند. فراهم نمودن شرایط مساوی برای دست یابی به فرصت های آموزش از جهات عدیده به ویژه از نظر سیاسی، اجتماعی و اقتصادی حائز اهمیت است (اوپیم^۶، ۲۰۰۴، ۷۵). راهیابی به آموزش عالی باید برای افرادی که تاکنون دستیابی آنها به آموزش عالی با موانعی همراه بوده، تسهیل شود؛ چرا که ممکن است این افراد از تجارب و مهارت هایی برخوردار باشند که در توسعه ملی و اجتماعی کشور ارزشمند است. دسترسی برابر به آموزش از حقوق اساسی هر فرد به شمار می رود (کیان و اسمیت^۷، ۲۰۰۸، ۲۰). کودکان به دلیل تعلق به طبقات مختلف اقتصادی اجتماعی و فرهنگی و میزان دانش و تحصیلات خانواده و فرصت هایی که آنها برایشان ایجاد می کنند از موقعیت یکسانی برخوردار نیستند و مفهوم نابرابری از همان زمان در آنها شکل می گیرد. با شروع تحصیل و برخورداری های متفاوت از امکانات آموزشی این

¹. Rees et al

². Agrawal

³. Necate and et al

⁴. Akpoyovwaire Samuel

⁵. Bar Haim, Shavit

⁶. Opheim

⁷. Qian and Smyth

مسئله خود را آشکارتر می‌سازد (صبا، رش، مور و ونوس^۱، ۲۰۰۶، ۹). برابری فرصت‌های آموزشی زمانی محقق می‌گردد که همه افراد در دست‌یابی به آموزش برابر باشند. این هدف امروزه در سطح بین‌المللی پذیرفته شده، اما کاملاً تحقق نیافته است (لاینونن^۲، ۲۰۰۰، ۴۶).

با توجه به مطالبی که مطرح شد، اهمیت برابری فرصت‌های دسترسی به آموزش بیش از پیش روشن گردید. باید خاطر نشان شود که برنامه‌ریزی آموزشی نیازمند تشخیص وضع کنونی و تعیین وضع مطلوب است. یکی از راه‌های تشخیص وضع کنونی و هدایت منابع، شناخت نحوه دسترسی مناطق مختلف در دسترسی برابر به آموزش عالی می‌باشد. مطالعه نابرابری منطقه‌ای، یکی از اقدامات ضروری و پایه‌ای برای برنامه‌ریزی و اصلاحات در جهت تأمین رشد اقتصادی همراه با عدالت اجتماعی است که می‌تواند تخصیص منابع را با هدف رفع نابرابری‌های منطقه‌ای، تحت تأثیر قرار دهد.

اما متأسفانه هم‌چنان که ادبیات تحقیق نشان می‌دهد تحقیقات بسیار کمی برابری فرصت‌های دسترسی به آموزش عالی را در ایران مورد مطالعه قرار داده‌اند. در این میان آمارها نیز نشان می‌دهد در چند سال اخیر استان آذربایجان غربی به لحاظ شاخص‌های آموزشی و دسترسی به آموزش عالی در وضعیت نامطلوبی قرار دارد و این مساله در بین شهرستان‌های استان آذربایجان غربی به مراتب پررنگتر می‌باشد، عدم توجه به این مساله پیامدهای منفی فراوانی به لحاظ اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در آینده برای استان آذربایجان غربی در پی خواهد داشت. بنابراین هدف پژوهش حاضر تحلیل نابرابری فرصت‌های دسترسی به آموزش عالی دولتی در ۱۷ شهرستان استان آذربایجان غربی طی سال‌های ۹۵-۹۲ می‌باشد. اهم پرسش‌هایی که پژوهش حاضر در صدد پاسخگویی به آنهاست، عبارتند از:

۱. آیا طی سال‌های ۱۳۹۵-۱۳۹۲، بین شهرستان‌های استان آذربایجان غربی نابرابری فرصت‌های دسترسی به آموزش عالی دولتی وجود دارد؟
۲. آیا طی سال‌های ۱۳۹۵-۱۳۹۲، بین شهرستان‌های استان آذربایجان غربی نابرابری جنسیتی دسترسی به آموزش عالی دولتی وجود دارد؟
۳. شهرستان‌های استان آذربایجان غربی طی سال‌های ۱۳۹۵-۱۳۹۲ به لحاظ دسترسی به آموزش عالی دارای چه رتبه‌ای هستند؟

روش‌شناسی پژوهش:

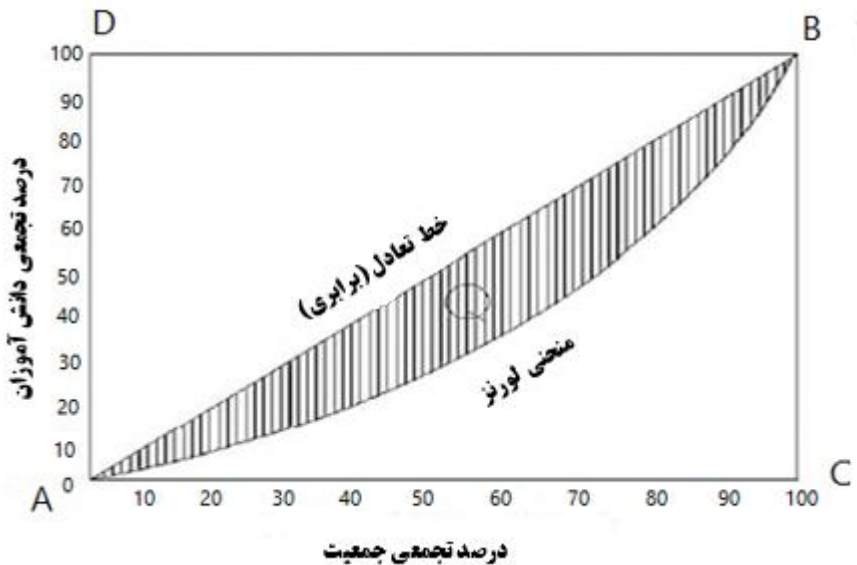
این تحقیق از نظر هدف، تحقیق کاربردی است چرا که نتایج آن به پیشنهادات اجرایی منتهی می‌شود که به برنامه‌ریزی جهت کاهش نابرابری آموزشی منجر می‌شود. با توجه به شیوه جمع‌آوری داده‌ها از نوع تحقیق توصیفی می‌باشد. همچنین چون داده‌ها از بررسی آمار و ارقام و تبدیل به شاخص‌ها صورت گرفته است از نوع تحلیلی می‌باشد. جامعه مورد مطالعه در تحقیق حاضر داوطلبان متقاضی ورود به آموزش عالی در شهرستان‌های استان آذربایجان غربی در طی سال‌های ۱۳۹۵-۱۳۹۲ می‌باشد که تعداد آنها ۱۵۲۹۲۰ نفر بوده است. استان

^۱.Sabbagh, Resh, Mor, Vanhuysse
^۲. Leinonen

آذربایجان غربی دارای ۱۷ شهرستان می باشد که عبارتند از: ارومیه، اشنویه، بوکان، پلدشت، پیرانشهر، تکاب، چالدران، چایپاره، خوی، سردشت، سلماس، شاهین دژ، شوط، ماکو، مهاباد، میاندوآب و نقده. در مطالعه حاضر همه ۱۷ شهرستان مورد نظر پژوهشگر قرار گرفته است. باتوجه به اینکه در این تحقیق از داده های اسنادی استفاده شده است نمونه گیری به عمل نیامده است بلکه از تمام شماری استفاده شده است. با توجه به ماهیت گردآوری داده ها که به روش اسنادی است از آمار و اطلاعات و اسناد مربوط به سرشماری نفوس و مسکن (۱۳۹۵)، داده های آموزش و پرورش (۱۳۹۵) و گزیده آمارهای کنکور سراسری (۱۳۹۵-۱۳۹۲) شهرستان های مورد مطالعه به منظور جمع آوری داده ها استفاده شد. روش این پژوهش با توجه به موضوع و هدف آن توصیفی- تحلیلی است. بنابراین از شاخص های آمار توصیفی نظیر جداول و نمودارها، درصدها و نسبت ها استفاده شده است. به منظور تعیین میزان بهره مندی مناطق و نواحی مختلف از دسترسی به آموزش عالی، از فرمول های برنامه ریزی آموزشی، نظیر شاخص انتخاب، ضریب جینی^۱، منحنی لورنز^۲، شاخص برابری جنسیتی، تحلیل خوشه ای و تکنیک رتبه بندی تاپسیس استفاده شده است. شاخص انتخاب از تقسیم درصد داوطلبان پذیرفته شده هر شهرستان در موسسات آموزش عالی دولتی از ثبت نام کنندگان کل استان به درصد جمعیت همان شهرستان از کل جمعیت استان محاسبه می شود (شیرکرمی و بختیارپور، ۱۳۹۳). در صورتی که مقدار شاخص انتخاب برای منطقه ای برابر یک باشد، بدان معنی است که منطقه مورد نظر از فرصت های آموزشی متناسب با جمعیت گروه سنی برخوردار است و اگر کمتر از یک باشد، حاکی از آن است که منطقه مربوطه از فرصت های آموزشی کمتری نسبت به جمعیت گروه سنی خود بهره مند می باشد. برای محاسبه ضریب جینی در یک دوره تحصیلی باید ابتدا مناطق را با توجه به شاخص انتخاب آنها در آن دوره تحصیلی از کم به زیاد مرتب نمود؛ سپس نسبت تجمعی جمعیت بر روی محور افقی و نسبت تجمعی دانش آموزی بر روی محور عمودی قرار می گیرد (شیرکرمی و بختیارپور، ۱۳۹۳). در نمودار زیر که نمایشگر منحنی لورنز است، اگر مقادیر نسبت تجمعی جمعیت را بر روی محور افقی و مقادیر نسبت تجمعی دانش آموزان را بر روی محور عمودی نشان دهیم، می توان با استفاده از این دو نسبت، منحنی لورنز را ترسیم کرد.

¹ . Gini Coefficient

² . Lorenz Curve



نسبت مساحت هاشور زده به مساحت مثلث (ABC) همان ضریب جینی می باشد. هرچه این منحنی به خط تعادل (AB) نزدیک تر باشد، نابرابری آموزشی بین مناطق کمتر و هر چه فاصله آن بیشتر باشد، نابرابری بیشتر خواهد بود. و اگر روی آن منطبق باشد، حاکی از عدم نابرابری بین مناطق است. ضریب جینی از طریق فرمول زیر عمل می کنیم:

$$\text{ضریب جینی} = \frac{SQ}{SABC}$$

مقدار ضریب جینی معمولاً بین اعداد صفر و یک خواهد بود. هرچه مقدار این ضریب به صفر نزدیکتر باشد، نابرابری بین مناطق کمتر و هر چه به یک نزدیکتر باشد نابرابری بین مناطق بیشتر خواهد بود. اگر برابر صفر باشد، حاکی از برابری کامل آموزشی بین مناطق است.

شاخص برابری جنسیتی (GPI)^۱: نسبت ناخالص ثبت نام دانش آموزان دختر در یک سطح از آموزش به ناخالص ثبت نام دانش آموزان پسر در همان سطح از آموزش اشاره دارد (لین و لن^۲، ۲۰۱۰). GPI بین ۰.۹۷ - ۱.۰۳ نشان دهنده عدالت و برابری جنسیتی می باشد. در حالی که مقادیر کمتر از ۰.۹۷ به معنی نابرابری به ضرر دختران و مقادیر بیشتر از ۱.۰۳ به معنی نابرابری به ضرر پسران است (غلامی پیرزاد، پالیزبان، غضنفری، ۱۳۹۴). در تحقیق حاضر میانگین آمار سالهای مورد مطالعه برای محاسبه شاخص ها مورد استفاده قرار گرفته است.

^۱ . Gender Parity Index

^۲ . Linh and long

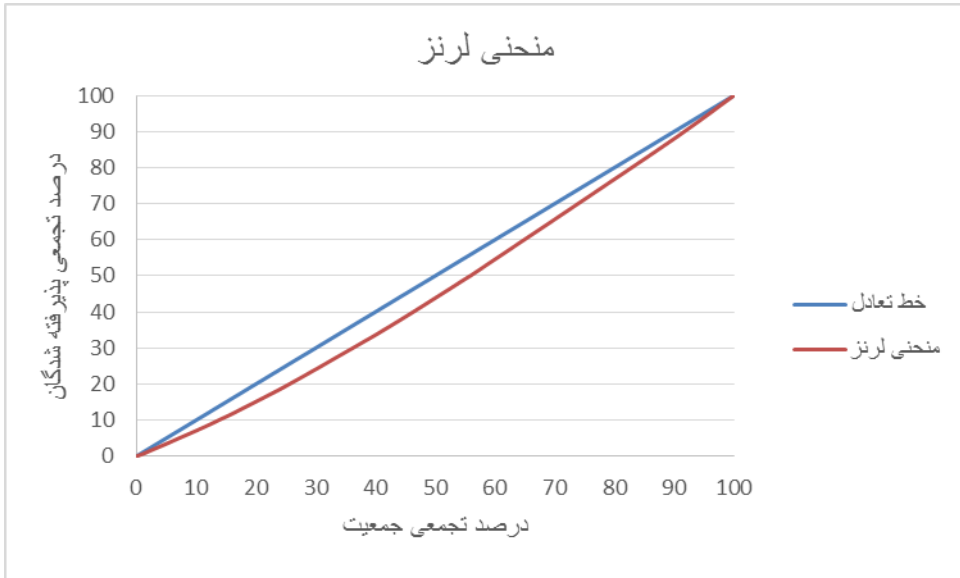
تاپسیس به عنوان یک روش تصمیم گیری چند شاخصه، روشی ساده ولی کارآمد در اولویت بندی محسوب می گردد. مدل تاپسیس m گزینه را بر اساس n معیار رتبه بندی می کند. این روش اولین بار در سال ۱۹۹۲ توسط چن و هوانگ مطرح شده است (موسوی و حسنی، ۱۳۹۰، به نقل از سامری، ۱۳۹۳).

یافته های پژوهش

. آیا طی سالهای ۱۳۹۵-۱۳۹۲، بین شهرستان های استان آذربایجان غربی نابرابری فرصت های دسترسی به آموزش عالی دولتی وجود دارد؟

جدول شماره ۱ - محاسبه درصدهای تجمعی جمعیت و پذیرفته شدگان به منظور ترسیم منحنی لورنز و تعیین مقدار ضریب جینی (مقدار نابرابری)

درصد تجمعی		درصد		شاخص انتخاب	شهرستان
پذیرفته	جمعیت شدگان	پذیرفته	جمعیت شدگان		
۰.۸	۱.۳	۰.۸	۱.۳	۰.۶۱	چالدران
۳.۸	۵.۵	۳	۴.۲	۰.۷۱	پیرانشهر
۸.۲	۱۱.۵	۴.۴	۶	۰.۷۳	سلماس
۱۰.۵	۱۴.۴	۲.۳	۲.۹	۰.۷۹	ماکو
۱۱.۵	۱۵.۷	۱	۱.۲	۰.۸۳	پلدشت
۱۷.۵	۲۲.۸	۶	۷.۲	۰.۸۴	مهاباد
۱۹.۶	۲۵.۲	۲.۱	۲.۴	۰.۸۷	تکاب
۲۲.۲	۲۸	۲.۶	۲.۸	۰.۹۲	شاهین دژ
۲۵.۶	۳۱.۶	۳.۴	۳.۶	۰.۹۴	سردشت
۳۳.۵	۳۹.۹	۷.۹	۸.۳	۰.۹۵	میاندوآب
۳۴.۹	۴۱.۳	۱.۴	۱.۴	۱	چاپاره
۳۷.۱	۴۳.۵	۲.۲	۲.۲	۱.۰۱	اشنویه
۴۱.۱	۴۷.۴	۴	۳.۹	۱.۰۲	نقده
۴۹.۱	۵۵	۸	۷.۶	۱.۰۵	بوکان
۵۰.۹	۵۶.۷	۱.۸	۱.۷	۱.۰۶	شوط
۸۶.۳	۸۸.۵	۳۵.۱	۳۱.۸	۱.۱۱	ارومیه
۱۰۰	۱۰۰	۱۲.۴	۱۰.۶	۱.۱۶	خوی



نمودار شماره ۱ - منحنی لورنز دسترسی به آموزش عالی در استان آذربایجان غربی طی سالهای ۹۵-۹۲
 $G = 0.08\%$

در نمودار فوق، ضریب جینی برابر با ۰.۰۸ می باشد که نمایانگر وجود نابرابری فرصتها در دسترسی به آموزش عالی در بین شهرستان های استان آذربایجان غربی می باشد اما شدت نابرابری فرصتهای دسترسی به آموزش عالی بین شهرستانها زیاد نمی باشد. هر چقدر منحنی فوق از خط تعادل (برابری) دورتر باشد، بیانگر شدت نابرابری فرصت های دسترسی به آموزش عالی می باشد.

با استفاده از تحلیل خوشه ای شهرستان های استان آذربایجان غربی به لحاظ برخورداری از شاخص انتخاب در سه سطح محروم، نیمه برخوردار و برخوردار سطح بندی شدند. شهرستانهای محروم شهرستانهایی هستند که شاخص انتخاب آنها کمتر از ۰.۷۳ می باشد. شهرستانهای نیمه برخوردار شهرستانهایی هستند که شاخص انتخاب آنها کمتر از بین ۰.۷۴ - ۰.۹۵ می باشد و شهرستانهای برخوردار شهرستانهایی هستند که شاخص انتخاب آنها بالاتر از ۰.۹۶ می باشد.

جدول ۲. سطح بندی شهرستان های استان آذربایجان غربی از نظر برخورداری از شاخص انتخاب

شهرستان های محروم	شهرستانهای نیمه برخوردار	شهرستانهای برخوردار
چالدران - پیرانشهر - سلماس	ماکو - پلدشت، مهاباد - تکاب - شاهین دژ - سردشت - میاندوآب	خوی - ارومیه - نقده - اشنویه - بوکان - چابهاره - شوط

با توجه به جدول ۲ سطح بندی شهرستان های استان آذربایجان غربی نشان داد که شهرستانهای چالدران - پیرانشهر - سلماس از نظر برخورداری از شاخص انتخاب جز شهرستانهای محروم، شهرستانهای

ماکو- پلدشت، مهاباد- تکاب - شاهین دژ- سردشت- میاندوآب جز شهرستانهای نیمه برخوردار و شهرستان های خوی- ارومیه- نقده- اشنویه- بوکان- چابپاره- شوط جز شهرستانهای برخوردار می باشند.

۲. آیا طی سالهای ۱۳۹۵-۱۳۹۲، بین شهرستان های استان آذربایجان غربی نابرابری جنسیتی دسترسی به آموزش عالی دولتی وجود دارد؟

جدول ۳- نابرابری جنسیتی دسترسی به آموزش عالی

شهرستان	درصد ثبت نام دختر	درصد ثبت نام پسر	نسبت) نابرابری (جنسیتی)	جهت نابرابری
ارومیه	۴۰.۴۲	۳۳.۱۲	۱.۲۲	پسر
اشنویه	۳۲.۴۵	۳۵.۴۴	۰.۹۱	دختر
بوکان	۳۹.۷۰	۴۰.۱۰	۰.۹۹	برابری
پلدشت	۳۷.۴۴	۳۱.۶۱	۱.۱۸	پسر
پیرانشهر	۳۰.۲۵	۴۴.۲۲	۰.۶۸	دختر
تکاب	۳۳.۶۵	۳۱.۱۵	۱.۰۸	پسر
چالدران	۲۹.۳۳	۳۹.۱۰	۰.۷۵	دختر
چابپاره	۳۴.۴۸	۳۱.۲۱	۱.۱۰	پسر
خوی	۳۹.۷۶	۳۱.۴۲	۱.۲۶	پسر
سردشت	۳۱.۲۳	۴۴.۸۷	۰.۶۹	دختر
سلماس	۳۹.۷۴	۲۹.۳۶	۱.۳۵	پسر
شاهین دژ	۳۸.۸۶	۳۰.۲۱	۱.۲۸	پسر
شوط	۳۲.۱۱	۳۱.۳۳	۱.۰۲	برابری
ماکو	۳۵.۱۸	۲۹.۹۵	۱.۱۷	پسر
مهاباد	۳۷.۴۳	۳۱.۱۴	۱.۲۰	پسر
میاندوآب	۳۵.۸۵	۳۰.۱۲	۱.۱۹	پسر
نقده	۳۳.۱۲	۳۴.۴۸	۰.۹۶	برابری

جدول ۴- طبقه بندی شهرستانهای استان آذربایجان غربی بر اساس نابرابری جنسیتی دسترسی به آموزش عالی

نابرابری جنسیتی پسر $1.03 < GPI < 0.97$	برابری جنسیتی	نابرابری جنسیتی دختر $GPI < 0.97$
ارومیه - پلدشت - تکاب - چاپاره - خوی سلماس - شاهین دژ - ماکو - مهاباد - میاندوآب	بوکان - شوط - نقده	اشنویه - پیرانشهر - چالدران - سردشت

با توجه به جدول ۳ و ۴ می توان گفت که بین شهرستانهای استان آذربایجان غربی نابرابری جنسیتی در دسترسی به آموزش عالی وجود دارد. همانطور که در جدول شماره ۴ مشخص شده است در شهرستانهای (اشنویه- پیرانشهر- چالدران- سردشت) نابرابری جنسیتی دسترسی به آموزش عالی به ضرر دختران وجود دارد در شهرستانهای (ارومیه- پلدشت- تکاب- چاپاره- خوی- سلماس- شاهین دژ- ماکو- مهاباد- میاندوآب) نابرابری جنسیتی دسترسی به آموزش عالی به ضرر پسران وجود دارد. اما در شهرستانهای (بوکان، شوط و نقده) برابری جنسیتی در دسترسی به آموزش عالی وجود دارد. همچنین با توجه به جدول ۳ می توان دریافت که بیشترین نابرابری جنسیتی دختران در دسترسی به آموزش عالی $GPI = 0.68$ مربوط به شهرستان پیرانشهر و بیشترین نابرابری جنسیتی پسران در دسترسی به آموزش عالی $GPI = 1.35$ مربوط به شهرستان سلماس می باشد.

۳. شهرستان های استان آذربایجان غربی طی سالهای ۱۳۹۵-۱۳۹۲ به لحاظ دسترسی به آموزش عالی دارای چه رتبه ای هستند؟

جدول ۵- رتبه بندی شهرستانهای استان آذربایجان غربی از نظر دسترسی به آموزش عالی

رتبه	میزان تاپسیس	شهرستان
۲	۰.۹۰۹	ارومیه
۶	۰.۷۲۷	اشنویه
۴	۰.۸۰۰	بوکان
۱۳	۰.۴۰۰	پلدشت
۱۶	۰.۱۸۱	پیرانشهر
۱۱	۰.۴۷۲	تکاب
۱۷	۰.۱۴۳	چالدران
۷	۰.۷۰۹	چاپاره
۱	۰.۹۹۹	خوی
۱۵	۰.۲۱۸	سردشت
۹	۰.۶۰۰	سلماس
۱۰	۰.۵۶۳	شاهین دژ
۳	۰.۸۱۸	شوط
۱۴	۰.۲۷۲	ماکو
۱۲	۰.۴۱۸	مهاباد
۸	۰.۶۱۸	میاندوآب
۵	۰.۷۴۵	نقده
۶.۹		شکاف دسترسی

با توجه به جدول ۵ شهرستان های استان آذربایجان غربی بر اساس دسترسی به آموزش عالی با استفاده از تکنیک رتبه بندی تاپسیس رتبه بندی شدند. شهرستان خوی در رتبه اول و شهرستان چالدران در رتبه آخر از نظر دسترسی به آموزش عالی قرار دارند. بررسی شکاف دسترسی که از تقسیم بیشترین میزان تاپسیس بر کمترین میزان تاپسیس به دست می آید، نشان می دهد که از نظر دسترسی به آموزش عالی شهرستان خوی ۶.۹ برابر بالاتر از شهرستان چالدران می باشد. برای اندازه گیری میزان نابرابری از ضریب پراکندگی استفاده شد. ضریب پراکندگی (C.V) از تقسیم انحراف معیار بر میانگین ضرب در ۱۰۰ به دست می آید. استفاده از مدل ضریب پراکندگی برای اندازه گیری نابرابری در سطح شهرستان های استان آذربایجان غربی نشان می دهد که در شهرستانهای استان میزان نابرابری در دسترسی به آموزش عالی ۰.۱۸ می باشد.

بحث و نتیجه گیری:

برابری فرصت های آموزشی، نگاهی عدالت خواهانه به همراه دارد و به عنوان شاخصی مهم برای توسعه و پیشرفت جوامع محسوب می شود. بر همین مبنا، کلیه کشورها و بخصوص کشورهای در حال رشد درصدد ایجاد فرصت های برابر دسترسی به آموزش عالی هستند. با مطالعه تحقیقاتی که در زمینه نابرابری های آموزشی در خارج از ایران صورت گرفته است در می یابیم که نابرابری های آموزشی بیشتر به دلیل تبعیض نژادی و یا سیستم ضعیف مدیریتی مراکز آموزشی رخ داده است و در مواردی نیز عامل ملیت و سکونتگاه بر ایجاد نابرابری در بهره مندی از فرصت های آموزشی تأثیرگذار بوده است و نتایج تحقیقات داخلی نیز از یک سو نشان از نابرابری های جنسیتی در بهره مندی از آموزش بوده و از سوی دیگر نمایانگر تفاوت سهم مناطق در دسترسی به آموزش، خصوصاً آموزش عالی می باشد.

پژوهش حاضر با هدف تحلیل نابرابری فرصتها در دسترسی به آموزش عالی دولتی در بین شهرستان های استان آذربایجان غربی طی سالهای ۹۲-۹۵ صورت گرفته است. نتایج نشان می دهد که با مقدار ضریب جینی ۰.۰۸ و ضریب پراکندگی ۰.۱۸ در بین شهرستان های استان آذربایجان غربی از حیث برابری فرصتهای دسترسی به آموزش عالی نابرابری وجود دارد. شهرستانهای چالدران- پیرانشهر و سلماس از نظر برخورداری از شاخص انتخاب جز شهرستانهای محروم، شهرستانهای ماکو- پلدشت، مهاباد- تکاب - شاهین دژ- سردشت و میاندوآب جز شهرستانهای نیمه برخوردار و شهرستان های خوی- ارومیه- نقده- اشنویه- بوکان- چابپاره و شوط جز شهرستانهای برخوردار می باشند. یافته های حیدرزادگان و صندوقداران(۱۳۹۶)، شیر کرمی و بختیار پور(۱۳۹۳)، مسعودی و جواهری(۱۳۸۲)، بارهیم و شایب(۲۰۱۳) و آگراول(۲۰۱۴) نیز نشان داد که بین مناطق مختلف نابرابری فرصت های دسترسی به آموزش وجود دارد. مطالعه نابرابری منطقه ای، یکی از اقدامات ضروری و پایه ای برای برنامه ریزی و اصلاحات در جهت تأمین رشد اقتصادی همراه با عدالت اجتماعی است. نابرابری در تمام سطح و اشکال آن خصوصاً نابرابری منطقه ای می تواند پیامدهای ناگواری در سطح خرد و کلان داشته باشد. آموزش عالی سنگ زیربنای هر جامعه است و مقوله هایی از قبیل برابری، عدالت، آزادی و فرصت های مساوی، حقوق فردی و نظایر آن فقط از طریق برنامه ریزی صحیح آموزشی تحقق می پذیرد. هر جا که نابرابری های آموزشی به حد اعلاى خود برسد آهنگ توسعه نیز کاهش پیدا خواهد کرد. راهیابی به آموزش عالی باید برای افراد و مناطقی که تاکنون دستیابی آنها به آموزش عالی با موانعی همراه بوده، تسهیل شود؛ چرا که ممکن است این افراد از تجارب و مهارت هایی برخوردار باشند که در توسعه ملی و اجتماعی کشور ارزشمند است. همچنین نابرابری ها تأثیر ژرفی بر دستاوردهای شغلی افراد و توسعه مناطق می گذارد. بنابراین چنانکه جامعه ای بخواهد در جهت رشد و توسعه همه جانبه حرکت کند ناگزیر است نابرابری فرصت های آموزشی را در بین افراد و مناطق مختلف کاهش دهد.

همچنین نتایج تحقیق نشان داد بین شهرستانهای استان آذربایجان غربی طی سال های مورد مطالعه نابرابری جنسیتی دسترسی به آموزش عالی دولتی وجود دارد. بیشترین نابرابری دختران $GPI = 0.68$ مربوط به شهرستان پیرانشهر و بیشترین نابرابری پسران $GPI = 1.35$ مربوط به شهرستان سلماس می باشد. یافته

های شیرکرمی و بختیارپور(۱۳۹۳)، مسعودی و جواهری(۱۳۸۲) و اکیوایر ساموئل(۲۰۱۳). عدم اشتغال شمار زیادی از فارغ التحصیلان دانشگاهی و طولانی شدن فرایند اشتغال با ورود افراد به آموزش عالی منجر به این امر می شود که افراد بعد از فارغ التحصیل شدن از مدرسه مستقیم وارد بازار کار در اغلب حوزه های مهارتی شده و تمایل چندانی به ادامه تحصیل در دانشگاه ها نداشته باشند و این مساله در پسران بسیار پر رنگتر از دختران بروز پیدا می کند. بنابراین این امر منجر به دسترسی کمتر پسران نسبت به دختران به آموزش عالی می شود. معمولاً از سوی دیگر در برخی از مناطق فرهنگ اجتماعی به نوعی می باشد که تمایل چندانی به ورود دختران به آموزش عالی وجود ندارد و این مساله باعث می شود که در این مناطق دختران دسترسی کمتری نسبت به پسران به آموزش عالی داشته باشند.

در نهایت نتایج رتبه بندی شهرستان های استان آذربایجان غربی بر اساس دسترسی به آموزش عالی با استفاده از تکنیک رتبه بندی تاپسیس رتبه بندی نشان داد که شهرستان خوی با میزان تاپسیس ۰.۹۹۹ در رتبه اول و شهرستان چالدران با میزان تاپسیس ۰.۱۴۳ در رتبه آخر قرار دارند. بررسی شکاف دسترسی نشان می دهد که از نظر دسترسی به آموزش عالی شهرستان خوی ۶.۹ برابر بالاتر از شهرستان چالدران می باشد. برابری فرصت به طور گسترده به عنوان یک اصل عدالت توزیعی پذیرفته شده و به عنوان ایده برجسته اغلب مذاکرات سیاسی کشورها مطرح است (پنیاساره^۱، ۲۰۱۱). این ضرورت به عنوان یک حرکت اصلاحی همواره مورد توجه صاحب نظران و دست اندرکاران آموزشی کشورهای گوناگون بوده است (سامری، ۱۳۹۳). عموماً پژوهش های انجام گرفته در زمینه میزان دست یابی افراد، گروه ها و طبقات اجتماعی و مناطق به آموزش عالی، مؤید دست یابی نابرابر و نامتوازن است (نوغانی، ۱۳۸۶). شواهد نشان می دهد نابرابری در بهره گیری از فرصت های برابر آموزشی هنوز پابرجاست و بسیاری از جوانان بسیار زود از نظام آموزشی کناره می گیرند. در نتیجه این کناره گیری ها نابرابری آموزشی بین افراد جامعه بیشتر می شود و در نتیجه تاثیر ژرفی بر دستاوردهای شغلی افراد می گذارد و به دنبال آن فاصله طبقاتی در جامعه عمیق تر می گردد. برابری فرصتهای دسترسی به آموزش عالی در ابتدا توسط ظرفیت های کم موسسات آموزش عالی محدود می شود. با توجه به اینکه ظرفیتهای موسسات آموزش عالی محدود می باشد بنابراین می بایستی برابری در ورود به موسسات آموزش عالی مخصوصاً موسسات و رشته های برتر برای همه افراد ایجاد شود و هیچ گونه تمایز یا تبعیض بین افراد و جنسیت در ورود به موسسات آموزش عالی وجود نداشته باشد. می بایستی قبل ورود به آموزش عالی بین افراد برابری کامل ایجاد شود. مانع دیگر برابری در ورود به موسسات آموزش عالی، آزمون های ورودی می باشد (ووکاسویچ و ساریکو^۲، ۲۰۱۰). برابری در پذیرش یک مسئله بسیار پیچیده تر است و باید در تمام بخش های فرایند پذیرش و نیز درون بافت بزرگتر اجتماعی و اقتصادی یک کشور یا ناحیه مشخص در نظر گرفته شود. زیربنای همه ی بخش های فرایند پذیرش، مسئله برابری و عدالت می باشد

¹. Pignataro

². Vukasovic, Sarrico

(ماتروس هلمز^۱، ۲۰۰۸). بنابراین فرایند پذیرش باید به نحوی باشد که داوطلبان احساس عدالت و احساس رضایت داشته باشند. همچنین عوامل مختلفی نیز وجود دارند که در تحقیقات مختلف به عنوان موانع برابری دسترسی به آموزش عالی مطرح شده اند: از نظر مولن^۲ (۲۰۱۰) برخی از موانع برابری دسترسی به آموزش عالی عبارتند از: جغرافیایی، اجتماعی، خانوادگی، مالی، جنسیت، سن، معلولیت و انتظارات (مولن، ۲۰۱۰). از نظر سبحانی نژاد و همکاران عوامل موثر در دسترسی به آموزش عالی عبارتند از عوامل فردی، آموزشی، خانوادگی، مذهبی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی (سبحانی نژاد و همکاران، ۱۳۹۱). نوغانی و همکاران عوامل موثر در دسترسی به آموزش عالی را سرمایه اجتماعی، سرمایه اقتصادی، سرمایه فرهنگی، عوامل زمینه ای و پیشینه آموزشی در نظر می گیرند (نوغانی و همکاران، ۱۳۹۰). خانواده ها مجبور به پرداخت هزینه برای آموزش های تکمیلی خارج از مدرسه (آموزش سایه) می شوند، که موجب افزایش نگرانی در مورد نابرابری آموزشی به دلیل تفاوت های دسترسی با توجه به پس زمینه های خانوادگی می شود (چو و پارک^۳، ۲۰۱۶). طبق نظر اکبری (۱۳۹۵) عوامل موثر در نابرابری آموزشی مناطق در قالب عوامل خانوادگی، آموزشی و توسعه یافتگی منطقه ای مطرح شدند. بنابراین، عواملی که در دسترسی به آموزش عالی موثر هستند و موجب نابرابری فرصت های دسترسی به آموزش عالی می شوند، عبارتند از: عوامل فردی، خانوادگی، آموزشی، آزمون ورودی و توسعه یافتگی منطقه ای. بنابراین به منظور کاهش نابرابری فرصت های دسترسی به آموزش عالی همه این عوامل در نظر گرفته شود و سعی گردد تا میزان نابرابری مناطق و افراد در این عوامل به حداقل برسد زیرا از دیدگاه عدالت آموزشی هر یک از افراد به موجب خلقت شان استحقاق ها و حقوقی دارند که نظام تعلیم و تربیت جامعه اسلامی باید زمینه رشد و پرورش استعداد های فطری و معنوی آنها را فراهم سازد.

مرورری بر مبانی نظری مربوط به نابرابری های آموزشی بین دختران و پسران نشان می دهد که عمدتین دلایل نابرابری دختران و پسران در دست یابی به آموزش از ساختارهای خانوادگی و نابرابری های جنسیتی نهادینه شده در سطح اجتماع منشا می گیرد. هر چند برقراری برابری جنسیتی دسترسی به آموزش عالی به مراتب سخت تر و پیچیده تر از دوره های دیگر تحصیلی می باشد اما عدم برقراری عدالت جنسیتی در این دوره می تواند نتایج منفی اجتماعی، آموزشی و برنامه ریزی در پی داشته باشد. زمانی که از نابرابری جنسیتی بحث می شود با توجه به گزارش های بین المللی و تحقیقات، نابرابری جنسیتی دختران مطرح است اما نابرابری جنسیتی دسترسی به آموزش در هر دو جنسیت می تواند وجود داشته باشد. همچنان که نتایج این تحقیق نشان داد در برخی از شهرستان های استان آذربایجان غربی نابرابری جنسیتی دختران و در برخی از شهرستانها نابرابری جنسیتی پسران در دسترسی به آموزش عالی وجود دارد. نابرابری جنسیتی دسترسی به آموزش عالی در هر دو جهت، نتایج منفی برای سیستم های آموزشی اعم از آموزش عالی در پی خواهد داشت. برنامه ریزی،

¹. Matross Helms

². Mullen

³. Choi and Park

تصمیم گیری و سیاست گذاری های آموزشی و در نهایت رشد اقتصادی بدون ایجاد برابری جنسیتی امکان پذیر نخواهد بود. بنابراین ایجاد تعادل و عدالت جنسیتی در دسترسی به آموزش عالی یک امر مهم محسوب می شود که می بایستی توجه ویژه به آن شود. شواهد حاکی از آن است که در کشورهایی که روابط جنسیتی تساوی طلبانه است سطح رشد اقتصادی بالا است (کلاسن^۱، ۲۰۰۰). علاوه بر این، تحقق اهداف توسعه هزاره و نیل به توسعه پایدار همه گیر و عادلانه نیز مستلزم رفع تبعیض ها و نابرابری های نژادی، فرهنگی، جنسیتی، قومی و ... است. در مورد کشور ما نیز یکی از الزامات مبدل شدن به کشوری پیشرفته و ارتقاء شاخص های اقتصادی و اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و تبدیل شدن به الگوی توسعه موفق، که در سند چشم انداز توسعه ۲۰ ساله و سایر اسناد بالادستی تأکید شده است، تلاش برای کاهش نابرابری و بی عدالتی های جنسیتی است (همتی و مکتوبیان، ۱۳۹۲). به منظور کاهش نابرابری جنسیتی باید اقداماتی زیر صورت گیرد: جریان سازی جنسیتی و توجه به مقوله جنسیت به مثابه پارامتری مهم در سیاست گذاری ها و تصمیم سازی ها. لزوم توجه هر چه بیشتر به مقوله عدالت جنسیتی به ویژه در زمینه اشتغال و بالا بردن کیفیت اشتغال. تلاش برای کم رنگ ردن باورهای قالبی، ایدئولوژی ها و نگرش های جنسیتی موجود در جامعه چنانکه جامعه ای بخواهد در جهت بسط عدالت آموزشی حرکت کند ناگزیر است نابرابری فرصت های آموزشی را کاهش دهد.

در حالت کلی، سیستم آموزشی موثرترین نهاد برای مقابله با نابرابری در سطح خرد و کلان می باشد و توزیع عادلانه فرصت های آموزشی به منظور تحقق توسعه پایدار آموزشی و برخورداری همگان از آموزش از وظایف برنامه ریزان آموزشی می باشد. نابرابری در تمام سطح و اشکال آن می تواند پیامدهای ناگواری در پی داشته باشد. از این رو لازم است برنامه ریزان و مدیران آموزشی با طراحی برنامه های آموزشی دقیق در راستای تخصیص عادلانه امکانات و فرصت های آموزشی گامی در جهت کم کردن نابرابری در آموزش و پرورش بردارند. برای کاهش نابرابری ها براساس یافته تحقیق لازم است سیاستگذاران و برنامه ریزان آموزشی توجه بیشتری به نابرابری گروه ها و مناطق استان در دسترسی به آموزش عالی مبذول نمایند.

منابع

- احمدی، سهیلا؛ حسنی، محمد؛ موسوی، میر نجف (۱۳۹۶). بررسی عدالت تربیتی بین انواع مدارس متوسطه نظری دوره دوم در ارومیه. دو فصلنامه مطالعات برنامه ریزی آموزشی، ۶ (۱۰)، ۱۱۴-۱۳۶.
- اکبری، تقی (۱۳۹۵). رتبه بندی محرومیت مناطق آموزش و پرورش استان اردبیل به منظور مدل یابی برای تخصیص بهینه اعتبارات. رساله دکتری تخصصی مدیریت آموزشی، دانشگاه ارومیه، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- پورپاکی، آذر (۱۳۹۳). بررسی رویکردهای نوین در نظام آموزش و پرورش پویا و موثر، پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش به نقل از نشریه نگاه وزارت آموزش و پرورش، هفته اول، ۲۸-۴۱.

¹ . Klasen

- حیدر زادگان، علی رضا؛ صندوقداران، محمد حسین (۱۳۹۶). فرصت های آموزشی دانش آموزان عشایر استان سیستان و بلوچستان: (برابر یا نابرابر). دو فصل نامه مطالعات برنامه ریزی آموزشی، ۶(۱۱)، ۱۶۰-۱۷۵.
- دربان آستانه، علیرضا؛ طهماسبی، سیامک؛ رضایی، پانیز (۱۳۹۵). تحلیل الگوی نابرابری فضای آموزشی شهرستانهای کشور. دو فصلنامه مطالعات برنامه ریزی آموزشی، ۵(۹)، ۵۰-۳۱.
- سامری، مریم؛ حسنی، محمد؛ سید عباس زاده، میر محمد؛ موسوی، میر نجف (۱۳۹۳). تبیین نابرابری های آموزشی و ارائه مدل توسعه آموزشی به منظور آمایش و نیل به عدالت آموزشی مورد شناسی: مناطق آموزشی استان آذربایجان غربی. فصل نامه جغرافیا و آمایش شهری - منطقه ای، ۵(۱۴)، ۱۰۵-۱۰۲۲.
- سامری، مریم؛ حسنی، محمد، سید عباس زاده، میر محمد؛ موسوی، میر نجف (۱۳۹۵). مدل سازی کاهش نابرابری های آموزشی و عدالت گسترده در بین دانش آموزان مقطع متوسطه مناطق آموزشی استان آذربایجان غربی. ۳(۱)، ۴۵-۷۲.
- سبحانی نژاد، مهدی؛ شاه حسینی، نجیبه؛ هاشمی، مجید؛ خداینده، عباس (۱۳۹۱). عوامل موثر بر موفقیت دانش آموزان استان یزد در کسب رتبه نخست ورود به دانشگاه های کشور، فصل نامه مطالعات برنامه ریزی آموزشی، ۲(۳)، ۲۰۰-۲۳۴.
- شیر کرمی، جواد؛ بختیارپور، سعید (۱۳۹۳). ارزیابی نابرابری ها در دستیابی به فرصت های آموزشی :با مطالعه موردی مقطع ابتدایی شهرستان دهلران درسال تحصیلی ۹۰-۹۱. فصل نامه آموزش و ارزشیابی، ۷(۲۶)، ۴۱-۵۸.
- غلامی پیرزاد، اسکندر؛ غلامی پیرزاد، الهام؛ پالیزبان، فاطمه؛ غضنفری، زینب (۱۳۹۴). عدالت جنسیتی با بی عدالتی در نظام آموزشی استان ایلام. مجله راهبردهای توسعه در آموزش پزشکی، ۲(۲)، ۴۴-۳۵.
- گروه مشاوران یونسکو (۱۳۸۴) فرایند برنامه ریزی آموزشی. ترجمه فریده مشایخ. چاپ شانزدهم، تهران: انتشارات مدرسه.
- متوسلی، محمود؛ آهنچیان، محمدرضا (۱۳۹۰). اقتصاد آموزش و پرورش، چاپ پنجم، تهران، انتشارات سمت.
- مرادی، مسعود (۱۳۸۳). بررسی عدالت فرصت های آموزشی در دوره متوسطه و عوامل مرتبط با آن در مناطق آموزشی استان زنجان. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.
- مسعودی، عصمت (۱۳۸۰). طراحی الگوی دسترسی یکسان به فرصت های آموزش علمی کاربردی، رساله دکتری، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تحقیقات و دکتری،
- مسعودی، عصمت؛ جواهری، منوچهر (۱۳۸۲). تحلیل دسترسی به فرصت های برابر در توسعه آموزش عالی دولتی در کشور. فصل نامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، ۲۸(۲)، ۷۳-۹۶.
- موسوی، میرنجف؛ حسنی، محمد (۱۳۹۰). سنجش درجه توسعه یافتگی و محرومیت مناطق آموزش و پرورش استان آذربایجان غربی، گزارش نهایی طرح تحقیقاتی، دانشگاه ارومیه.
- نبی زاده سرابندی، سیمل (۱۳۸۴). بی عدالتی در فرصت های آموزشی استان سیستان و بلوچستان، فصل نامه زن در توسعه و سیاست، ۳(۳)، ۱۵۵ - ۱۷۵.

- نظم فر، حسین، علی بخشی، آمنه (۱۳۹۳). سنجش نابرابری فضایی شهرستان های استان خوزستان، آمایش جغرافیایی فضا، ۶(۲۲)، ۱-۲۴.
- نوغانی، محسن؛ آهنچیان، رضا؛ رفیعی، محمد تقی (۱۳۹۰). تاثیر سرمایه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر موفقیت در آزمون سراسری ورود به دانشگاه. جامعه شناسی آموزش و پرورش، (۱)، ۲۱۸-۱۹۱.
- همتی، رضا؛ مکتوبیان، مریم (۱۳۹۲). بررسی وضعیت نابرابری جنسیتی در میان کشورهای منتخب خاورمیانه: با تأکید بر جایگاه ایران. پژوهش نامه زنان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، (۲) ۴، ۱۱۵-۱۴۲.

- Agrawal, T.(2014). Educational inequality in rural and urban India. International Journal of Educational Development, 34(5), 11-19.
- Akpooyovwaire, M. (2013). The Phenomenon of Gender Inequality in Access to and Equity in University Education in Nigeria. Mediterranean Journal of Social Sciences, 4(7),129-136.
- Bar Haim, E., Shavit, Y. (2013). Expansion and inequality of educational opportunity: A comparative study. Research in Social Stratification and Mobility, 31, 22-31.
- Bennett, C., Both, C.,Yeadle, S. (2001). Mainstreaming equality in the committees of the Scottish parliament. University of strathclyde, 5(7), 10-21.
- Cheng, H. (2009). Inequality in Basic Education in China: A Comprehensive Review. International Journal of Educational Policies, 3(2) , 81-106.
- Choi, Y., Park, H. (2016). Shadow education and educational inequality in South Korea:Examining effect heterogeneity of shadow education on middleschool seniors' achievement test scores, Research in Social Stratification and Mobility, 44, 22–32.
- Hannum, E. (2000). Educational, Expansion and Demographic, Harvard. Institute for International Development, www.census.org/ipc.
- Hoareau McGrath, C., Henham, M. L., Corbett, A., Durazzi, N., Frearson, M., Janta, B., Kamphuis, B., Katashiro, E., Brankovic, N., Guerin, B., Manville, C. and Schweppenstedde, D. (2014). 'Higher Education entrance qualifications and Exams in Europe: a Comparison', Brussels: European Parliament, 5, 79-98.
- Horn, D(2011).Essays On Educational Institutions And Inequality Of Opportunity, A Doctoral Dissertation, Submitted to

the Central European University in partial fulfillment of the requirements for the Degree of Doctor of Philosophy.

•Lane, M. (2011). Ancient Political Philosophy, In The Stanford Encyclopedia of Philosophy Retrieved December 9, 2012 <http://plato.stanford.edu/archives/fall2011/entries/ancient-political>.

•Leinonen, T. (2000). Equality of education: a comparative study of educational ideologies of the world bank and the government of Zambia in 1971-1996. University of Tampere.

•Linh, V., Thuy, L., Long, G.(2010). Equity and Access to Tertiary Education: The Case of Vietnam. Literature Review on Equity and Access to Tertiary Education in the East Asia Region. overall World Bank.

•Matross Helms, R. (2008). University admissions worldwide, International Bank for Reconstruction and Development and the World Bank, Washington. Available at:<http://www.wds>.

•Meyers, R. (2003). Inquality of Education, [www.csue.berkclly.Edu/ Meyers/ Education](http://www.csue.berkclly.Edu/Meyers/Education) term, Himl.

•Mullen, F. (2010). Barriers to Widening Access to Higher Education. SPICe Briefing.

•Necate. B, Duygu, A, Bahar, U. (2014). Inequality in Educational Opportunities of Gifted and Talented Children in Türkiye, *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 143, 1133 – 1138.

•Nelson, T.(2012). Social justice and equity issues in the higher education, <https://safeguardingstudentlearning.net>

•Opheim, v.(2004). equity in education thematic review, CNIFU, country analytical report, Norway.

•Prodan, A., Maxim, E., Manolescu, I., Arustei, C., Guta, A.(2015). Access to higher education: influences and possible implications, 7th International Conference on Globalization and Higher Education in Economics and Business Administration.

•Qian, X., Smyth, R. (2008). Measuring regional inequality of education in china: widening cost-inland gap or widening rural-urban gap? *Journal of International Development*, 20, 132–144.

•Rawls. J. (1971) a theory of justice cambridge harvard university press.

- Rebell, M. A. (2003), Hearing and femininities in the primary classroom: American school: providing equal opportunity or still separate and unequal? New York.
- Rees, G., Taylor, C., Davies, D., Drinkwater, S., Evans, C., Wright, C. (2015). access to higher education in wales, Wales Institute of Social and Economic Research, Data and Methods (WISERD).
- Sabbagh, C., Resh, N. Mor Vanhuysse, P. (2006). Spheres of justice within schools: reflection and evidence on the distribution of education goods. social psychology of education, 9. 97-118.
- Samons, P. (2010). School effectiveness and equity : making connection, CFBT, education trust, 1-22.
- Uribe correa, I (2012). access to higher education in colombia: an assessment of public policy and outcomes. a dissertation submitted to the university at albany, state university of new york in partial fulfillment of the requirements for the degree of doctor of philosophy.
- Vergolini, L. (2016). Social inequalities in higher education participation in a period of educational reforms and economic recession: evidence from an italian province. research institute for the evaluation of public policies bruno kessler foundation fbk-irvapp working paper .
- Vukasovic, M; Sarrico, C.S. (2010). inequality in higher education, Definitions, Measurements, Inferences, The Serbian Case. Published (2010) in Goastellec G (Eds), Understanding Inequalities in, through and by Higher Education. Sense Publishers: Rotterdam, 1-16.